



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





اهمیت مولدسازی سواحل و جزایر در اقتصاد کشور



گردآورنده : بهروز آقایی

مدیرکل اسبق بنادر و دریانوردی استان خوزستان و استان سیستان و بلوچستان (چاپهار)

پاییز ۱۴۰۳



مقدمه:

در عصر حاضر، بهره‌برداری هدفمند از منابع طبیعی، به‌ویژه منابع دریایی و مواهب حاصل از قرار گرفتن در مجاورت نوار ساحلی به رکن اساسی توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است. قرار گرفتن در سواحل دریاها و دسترسی به شاهراه‌های حیاتی تجارت جهانی با امکان قابلیت ارائه خدمات مرتبط با این بخش و از همه مهمتر ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از منابع اصلی و استراتژیک برای رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. اقتصاد دریاپایه که شامل بخشهایی همچون کشتیرانی، حمل‌ونقل بین‌المللی دریایی، صنعت شیلات و آبی‌پروری، استخراج منابع انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری دریایی، ورزش‌های آبی-ساحلی و بنادربوده، که این ظرفیت‌های بی‌بدیل برای افزایش تولید ناخالص داخلی و تقویت جایگاه کشورها در نظام اقتصاد جهانی محسوب می‌گردد.

ایران، با بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر خطوط ساحلی در جنوب و شمال کشور و برخورداری از موقعیت استراتژیک در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، دارای فرصت‌های منحصر به فردی در این حوزه‌ها است. اما نکته قابل‌تأمل اینکه در استفاده از مزیت‌ها، قابلیت‌ها و فرصت‌ها سهم بسیار اندکی از جمعیت، صنایع و خدمات دریایی کشور در تولید ناخالص ملی و عدم تمرکز صنایع در سواحل از شاخصه‌های عدم بهره‌مندی و عملکرد ناموفق در بهره‌گیری از مواهب دریا بوده، لذا دستیابی به این فرصت‌ها نیازمند رویکردی جامع و سیاست‌گذاری مدونی است که می‌بایست با

توسعه زیرساخت‌ها و بهره‌وری در استفاده از منابع و حفظ محیط‌زیست را هم‌زمان مدنظر قرار دهد. در این راستا، مولدسازی سواحل، به معنای بهره‌گیری هوشمندانه و پایدار از منابع ساحلی و دریایی، می‌تواند به عنوان راهبردی کلیدی در تبدیل این ظرفیت‌ها به پیشران اصلی در رشد اقتصادی ایفای نقش نماید .

نکته حایز اهمیت آن است که مولدسازی سواحل مستلزم اقداماتی نظیر آمایش سرزمینی با هدف شناسایی ظرفیتهای مناطق ساحلی و جانمایی دقیق برای انجام اقدامات توسعه ای ، تدوین قوانین و ایجاد تسهیلات متناسب با پتانسیل‌های هر منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است. مطمینا تدوین طرح جامع توسعه دریامحور با ترتیبی که بیان گردید به گونه ای که بر پهنه‌بندی دقیق دریا، کرانه و پس کرانه مبتنی بر ایجاد زیرساخت های فیزیکی و غیر فیزیکی اصلی، می‌تواند بهره‌برداری بهینه از منابع دریایی و پرورش و توانمندی نیروی انسانی متخصص را به همراه داشته باشد. تاکید می‌گردد برای دستیابی به توسعه پایدار و اثربخش، حمایت از سرمایه‌گذاران بومی و داخلی ، تقویت همکاری‌های اقتصادی مشترک بین المللی در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس و دانش‌بنیان برای گسترش مشارکت‌های داخلی و خارجی از ضروریات راهبردی است. این مقاله با هدف بررسی جنبه‌ها و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های دریایی و ساحلی ایران تدوین گردید.

آمایش سرزمینی سواحل و جزایر زیربنای توسعه پایدار و شکوفایی اقتصاد دریاپایه

آمایش سرزمینی سواحل و جزایر با هدف شناسایی فرصتها و جانمایی دقیق برای انجام فعالیتهای توسعه ای، که به صورت مستقیم با مدیریت هو شمندانان فضاهای دریایی و ساحلی گره خورده، اساس توسعه پایدار اقتصاد دریاپایه را تشکیل می دهد. این فرآیند با تحلیل جامع عواملی نظیر عمق آب، تناسب بستر دریا، مسیرهای کشتیرانی بین المللی و شرایط زیست محیطی، صنایع و جمعیت پسرانه و مسیرهای دسترسی امکان مکان یابی بهینه برای تأسیس زیرساخت های دریایی و بندری، فعالیتهای صنعتی، تجاری و توسعه مناطق گرد شگری را فراهم می آورد. جانمایی دقیق، نه تنها بهره وری اقتصادی را ارتقا می دهد بلکه موجب حفظ تعادل حساس بین توسعه، رقابت پذیری و حفاظت از محیط زیست و همچنین برگشت سرمایه و افزایش بهره وری و ارتقای شاخص های اقتصادی از محل اجرای پروژه های سرمایه ای و سرمایه گذاری را در پی خواهد داشت. مطالعات میدانی حاکی از این است که انتخاب نادرست مکان ها در بهره گیری از سواحل ضمن فرست سوزی موقعیت های جغرافیایی موجبات اتلاف منابع برای عقبگرد به مسیر درست با هزینه هنگفت و شاید هم غیر قابل جبران را ایجاد نماید.

عامیانه ترین جمله ای که در این مبحث می توان گفت "کار نکردن بهتر از کار کردن بدون آمایش سرزمینی در این حوزه می باشد".



کشورهای موفق در حوزه اقتصاد دریایی، نظیر امارات متحده عربی، عربستان سعودی، استرالیا و چین با پهنه‌بندی هوشمندانه و طراحی استراتژیک پس‌کرانه‌های بنادر، توانسته‌اند از موقعیت جغرافیایی خود بهره‌برداری نموده و این فرصت‌ها را به قطب‌های اقتصادی و تجاری بین‌المللی تبدیل نمایند. بنابراین با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مکان‌یابی یکپارچه کل‌جزایر و سواحل کشور و مطابقت با پیشرفت‌های دریایی، می‌توان ظرفیت‌های گسترده سواحل را بعنوان پیشران‌های توسعه‌ای که برگرفته از موقعیت جغرافیایی بی‌بدیل بوده را به ابزاری مؤثر برای رشد اقتصادی تبدیل کرد. در نهایت، تدوین راهبردهای یکپارچه، جامع با هم‌پوشانی فرصت‌ها، محیط‌زیست و اقتصاد منطقه‌ای، ایران را قادر می‌سازد تا از ظرفیت‌های ارزشمند سواحل خود در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، در جهت ارتقای جایگاه خود در اقتصاد جهانی بهره‌برداری نماید.

تدوین قوانین یکپارچه تسهیل گر با رویکرد اعطای تشویقات در کل نوار سواحل و جزایر، محرک اصلی توسعه متوازن

بعد از شناسایی فرصتها و جانمایی مکانهای برای فعالیتهای توسعه ای مبتنی بر خروجی های آمایش سرزمینی و با رویکرد مدیریت یکپارچه ساحلی ، تدوین قوانین جامع و ارائه تسهیلات متناسب با ویژگی ها و ظرفیت های منحصر به فرد هر منطقه ساحلی، یکی از ارکان اصلی در تسریع جذب سرمایه گذاری و تحقق توسعه پایدار در اقتصاد دریاپایه است. در این راستا، ایجاد مناطق آزاد یا مناطق ویژه اقتصادی با هدف تسهیل قوانین سرزمین اصلی، ارائه مشوق های مالیاتی، تسهیل فرآیندهای اداری و فراهم سازی زیرساخت های پیشرفته، بستری قدرتمند برای جذب تجار، خطوط کشتیرانی، انتقال صنایع سنگین و سرمایه گذاران داخلی و خارجی خواهد شد. این سیاست ها، در بسیاری از کشورهای پیشرفته، به عنوان الگویی موفق در مدیریت منابع ساحلی و دریایی، به طور مؤثری در حال اجرا و باعث توسعه آن مناطق گردید. برای مثال، چین با ایجاد مناطق آزاد اقتصادی در سواحل خود، از جمله شانگهای و شنزن، تحولی شگرف در جذب سرمایه های بین المللی رقم زده، بطوریکه این مناطق، با ارائه تسهیلات حمایتی و قوانین جذاب، اکنون به قطب های تجاری و تولیدی جهانی تبدیل شده اند. همچنین کشور سنگاپور با اتخاذ سیاست های نوآورانه اقتصادی و ارائه تسهیلات قانونی خاص، توانسته جایگاه خود را به عنوان یکی از مراکز برجسته تجارت دریایی، پشتیبانی دریایی و پرترافیک ترین بنادر جهان تثبیت نماید. این موفقیت ها

نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی یکپارچه می‌تواند تحول عظیمی در توسعه متوازن مناطق ساحلی کشور ایجاد نموده، مشروط به حذف رقابت دولت با بخش‌های خصوصی با در نظر گرفتن طراحی و اجرای راهبرد نیازهای منطقه‌ای و جهانی مدون گردد.

بهره‌گیری از تجربیات این کشورها الگوی ارزشمندی در راستای بالفعل نمودن ظرفیت‌های گسترده سواحل کشور بوده بنحوی که با تکیه بر موقعیت جغرافیایی راهبردی و پتانسیل‌های دریایی منحصربه‌فرد، می‌تواند مناطق ساحلی خود را به موتور محرک اقتصاد ملی و قطب‌های تجاری و اقتصادی منطقه‌ای تبدیل نماید.

کشور دریایی ایران با برخورداری از سواحل گسترده با کاربری‌های متنوع و پتانسیل‌های اقتصادی در صورت سیاست‌گذاری قوانین یکپارچه و تقسیم کار ملی در مدیریت امورسواحل و دریاها قابلیت شکوفایی و توسعه متوازن در این بخش را دارا بوده به نحوی که برنامه جامع می‌بایست بر اساس مطالعات دقیق برگرفته از آمایش سرزمینی و شناخت سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌مدخل باشد. مطمئناً اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز تحولی بنیادین در توسعه متوازن سواحل، جزایر و مناطق دریایی با قابلیت رقابت‌پذیری در مولدسازی گردد.

ایجاد زیرساخت های اصلی (فیزیکی و غیر فیزیکی) در سواحل پیش نیاز توسعه تجاری و صنعتی با قابلیت رقابت پذیری

مطالعات و آمارهای اخیر حاکی از آن است که موقعیت بین‌المللی سواحل، بنادر و جزایر ایران دریایی بواسطه عدم اتخاذ رویکرد راهبردی همسان سازی، تکمیل و توسعه زیرساخت های فیزیکی و غیر فیزیکی متناسب با شبکه تجارت جهانی باعث از دست رفتن جایگاه کریدورهای لجستیکی و خدماتی کشور در مقابل کریدورهای جدیدالاحداث در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و کشورهای شمال ایران گردیده بطوری که با توسعه و تکمیل پروژه های طراحی شده در شبکه لجستیک بین‌المللی مطمئناً در آتی کریدورهای کشور در مقایسه با کریدورهای احداث شده کشورهای منطقه و آسیایی (در شرق، غرب، شمال و جنوب کشورمان)، غیررقابتی و چسبندگی آنها در شبکه جهانی کمرنگ تر خواهد شد. برای مواجهه و رفع این چالش‌ها، تدوین سیاست‌های جامع و یکپارچه برای بازتعریف نقش بنادر و سواحل ایران در زنجیره تأمین بین‌المللی بر مبنای همسانسازی و تقویت زیرساخت‌های فیزیکی و غیر فیزیکی، مدرن‌سازی تجهیزات و فرآیندها، توسعه شبکه‌های لجستیکی پس کرانه، با اولویت جذب مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است. بعنوان نمونه افزایش سهم کشور در حمل و نقل دریایی و ترانزیت کالا به‌طور مستقیم با توسعه زیرساخت‌های جاده ای، ریلی و چند وجهی با اتصال به بنادر و کریدورها بوده، لذا سواحل و جزایر به‌عنوان شریان‌های حیاتی اقتصاد دریاپایه، نقش کلیدی و

پیشران در اتصال به شبکه تجارت جهانی و زنجیره تأمین داشته بطوریکه ترانزیت سریع، کم‌هزینه و خدمات بهینه از طریق بنادر و کریدورهای داخلی با اتصال و همخوان نمودن به کریدورهای بین‌المللی می‌تواند اقتصادی پویا و بالفعل نمودن تمام ظرفیت‌های سواحل را در تجارت دریایی موجب گردد. طبق گزارش‌های UNCTAD (2023)، کشورهای پیشرفته به‌ویژه در منطقه آسیا، با سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌های دریایی، ترانزیت کالا و اتصال مؤثر به بازارهای جهانی، رشد اقتصادی خود را شتاب داده بطوری که در آینده رقابت با این مسیرها بدون در نظر گرفتن سرعت، هزینه و کیفیت غیرممکن خواهد بود. در همین راستا امروزه یکی از چالش‌های اصلی برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دریایی، عدم همسان‌سازی و بهبود فرآیندهای غیرفیزیکی بوده که از طریق اصلاح سیستم‌ها و فرآیندهای منطبق بر سامانه‌های شبکه تجارت جهانی ایجاد خواهد شد. بعنوان نمونه مطالعات IMO در سال ۲۰۲۲ طولانی بودن فرآیندهای ترخیص کالا و هزینه‌های غیررقابتی را موجب عدم جذب کالا، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و در نهایت کاهش بهره‌وری، ترافیک بنادر و کاهش توان رقابتی با از دست رفتن جایگاه کشور در برابر رقبای منطقه‌ای عنوان نمود. به این ترتیب، مولدسازی سواحل از طریق ارتقاء زیرساخت‌های حمل و نقل، صادرات، واردات و ترانزیت کالا، می‌تواند به عنوان یک راهکار استراتژیک برای توسعه اقتصاد دریاپایه عمل نماید. زنجیره لجستیکی هر کشور به‌مثابه ستون فقرات تجارت دریایی، توانایی کشورها را در تسریع جریان کالا و مسافر و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و خدمات بهینه



بهبود می‌بخشد. بطوریکه آمارها در کشورهای موفق در زمینه تجارت دریایی نشان از اتخاذ مدل‌های تلفیقی برای توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل جریان بار، کالا و مسافر بوده که عملاً بهبود عملکرد بنادر و کاهش هزینه‌ها را در بر داشته است. مطمئناً توسعه بهنگام طرح‌های مکران، شمال و شمال غرب خلیج فارس و دریای خزر قبل از ایجاد چسبندگی تجار و بازرگانان و صاحبان سرمایه به بنادر رقیب این امکان را فراهم می‌کند که از موقعیت ژئوپولیتیک کشور برای تبدیل بنادر، سواحل و جزایر به هاب‌های تجاری و ترانزیتی در منطقه بهره‌مند و عملاً با توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و غیر فیزیکی و توسعه ناوگان‌های جاده‌ای و ریلی مدرن می‌تواند به طور قابل توجهی به رشد و شکوفایی اقتصادی دریایچه کمک نمود، بطوریکه تاب‌آوری کشور را در برابر تهدیدهای اقتصادی و تحریم‌های جهانی ارتقا بخشد. احیای جایگاه کریدرهای لجستیک دریایی و زمینی ایران در منطقه و دنیا صرفاً با اولویت بندی توسعه فیزیکی زیرساخت‌های اساسی و لحاظ مدل‌های اقتصادی برپایه شاخص‌های هزینه-زمان و خدمات بهینه قابل جبران خواهد نمود.



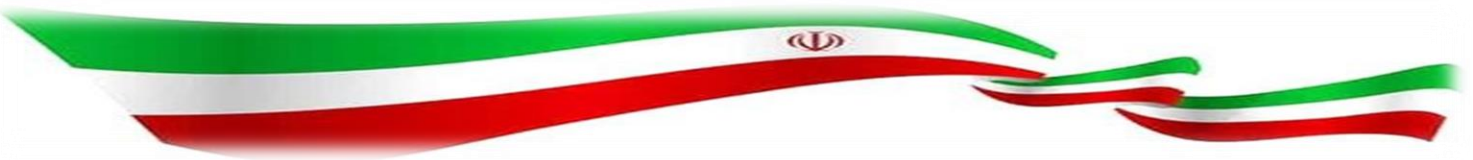
تسهیل سرمایه‌گذاری در اقتصاد دریامحور گامی حیاتی برای رقابت‌پذیری بنادر ایران در

شبکه تجارت جهانی

توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، یکی از ارکان اساسی برای تحقق توسعه پایدار اقتصاد دریامحور است. اما علی‌رغم ظرفیت‌های عظیم سواحل و بنادر ایران، چالش‌هایی نظیر طولانی بودن فرآیندهای اداری، عدم تدوین مدل‌های اقتصادی جذاب، عدم آکران فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ناکارآمدی مدیریتی، سرمایه‌گذاران را از ورود به این حوزه نه تنها ترغیب ننموده بلکه تشویق به سرمایه‌گذاری در بنادر منطقه‌ای رقیب گردیده، بطوریکه تاب‌آوری ناوگان‌های دریایی، دسترسی به شبکه جهانی و همچنین کاهش سهم ایران را از تجارت دریایی منطقه‌ای و جهانی در برداشته است. برای رفع این چالش‌ها، ضروریست اصلاحات ساختاری در نظام مدیریتی و فرآیندهای سرمایه‌گذاری منطبق بر اصل شفافیت در قوانین و قطعیت در تصمیم‌گیری‌های بهنگام، همراه با ارائه مدل‌های اقتصادی نوین که توازن درآمد و هزینه سرمایه‌گذاران را تضمین نموده و بهره‌گیری بموقع و رقابتی را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان تدوین و اجرایی نمود.

مطالعات منطقه ای حاکی از این است که کشورهای هم سایه مانند امارات متحده عربی، عمان و عراق با سرمایه گذاری های عظیم در زیرساخت های پیشران موجبات جذب بخش خصوصی و بازاریابی حرفه ای منطبق بر توسعه بازار همه جانبه، به سرعت در حال تبدیل شدن به قطب های تجارت جهانی گردیده به طوریکه بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری ها شامل ایجاد ترمینال های مدرن، توسعه شبکه های لجستیکی و ارائه تسهیلات پیشرفته برای خطوط کشتیرانی و شرکت های حمل و نقل سرمایه گذاری در بنادر حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در حال انجام می باشد. در مقابل، عدم به روزرسانی و تکمیل زیرساخت های منتهی به سواحل و بنادر ایران دریایی توسط منابع دولتی و عدم جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی و همچنین فقدان برنامه راهبردی یکپارچه با تقسیم کار ملی، کشور را به عقب گردی جدی در تجارت ساحلی و دریامحور مواجه نمود.

در راستای ایجاد محیط رقابتی برای جذب سرمایه گذاران و خطوط کشتیرانی و همگام نمودن در توسعه زیرساخت های بندری، لجستیکی و کریدوری توسط بخش های خصوصی صرفا با طراحی مشوق های اقتصادی هدفمند بدون تنگ نظری سازمان های دولتی امکانپذیر بوده، لذا با اتخاذ این رویکردها می توان جایگاه ایران را در تجارت دریایی منطقه ای و جهانی بازتعریف و آینده ای امیدوار را برای اقتصادی پویا مبتنی بر تجارت دریا پایه رقم زد.



سیاست‌گذاری برای پرورش نیروی انسانی ماهر در حوزه کسب و کارهای دریایی، کشتیرانی و بندری

توسعه و بهره‌وری پایدار در اقتصاد دریاپایه به‌طور مستقیم به تأمین نیروی انسانی ماهر مطابق کسب و کارهای حوزه دریایی، کشتیرانی و بندری بستگی دارد. با توجه به کمبود نیروی متخصص در این بخش‌ها همچنان یکی از چالش‌های اساسی کشور و حتی کسب و کارهای دریایی دنیاب‌شمار رفته، بطوریکه این کمبودها نه تنها توان رقابتی ایران را در سرانه بازار جهانی کار و اشتغال کاهش داده و مانع حفظ توان رقابتی ناوگان لجستیکی، تجاری و مشاغل دریایی ایران در شبکه تجارت بین‌المللی گردیده است. یکی از راهکارهای مؤثر برای پرورش نیروی متخصص، ابتدا تدوین شرح مشاغل مرتبط با حوزه دریا و ایجاد ارتباط میان دانشگاه‌های دریایی و مؤسسات آموزشی کشور بوده همانگونه که کشورهای پیشرو مانند هلند، نروژ، هند و چین، با همکاری



نزدیک میان دانشگاه‌ها و صنعت، موفق به ایجاد مدل‌های آموزشی استاندارد گردیده به نحوی که نیروی انسانی آن‌ها به‌عنوان کاربران برتر کسب و کارهای دریایی و بندری در سطح جهانی شناخته می‌شوند. به‌عنوان نمونه کشور هند با اجرای برنامه‌های آموزش فنی-حرفه‌ای گسترده توانسته حدود ۲۰ درصد از نیروی انسانی راهبری مشاغل و کسب و کارهای ناوگان‌های لجستیکی بنادر و سواحل منطقه آسیا را تأمین نماید. در همین راستا، بهره‌برداری از ظرفیت‌های دانشگاه‌های داخلی ایران و خارجی و بازنگری در برنامه‌های آموزشی مرتبط با علوم دریایی و بندری، گامی اساسی برای تقویت زنجیره کسب و کارهای اقتصاد دریاپایه است. این گام می‌تواند با استفاده از تجربیات موفق جهانی، نیروی انسانی متخصص و توانمندی را پرورش دهد که در آینده به‌عنوان سکانداران مشاغل دریایی، لجستیکی و خدمات بنادر و کشتیرانی کشور ایفای نقش نمایند. ضرورت صدور دانش کسب و کارهای دریایی، الی‌الخصوص اپراتورهای دریایی و بندری و نیروی انسانی ماهر در این حوزه به کشورهای در حال توسعه به‌عنوان یک سیاست راهبردی می‌تواند ضمن بسط و گسترش تجارت دریایی موجبات دست‌رسی به شبکه تجارت دریایی را تقویت بطوریکه محدودیت‌های پذیرش کشتی‌های ایرانی در بنادر خارجی را تسهیل و فراهم نماید. در حال حاضر، کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی، مانند امارات متحده عربی و تایوان، سهم عمده‌ای در صدور دانش دریایی و بندری و اپراتورهای بین‌المللی دارند و حتی پا را فراتر گذاشته و با طراحی ائتلاف‌های بین‌المللی در این مشاغل استراتژیک روی آورده و این موضوع در ارتقای جایگاه اقتصاد



دریایپایه آن‌ها از غالب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی موثرتر بوده است. برای تحقق این اهداف، تدوین مشاغل و کسب و کارهای مرتبط با حوزه اقتصاد دریایپایه با اجرای سیاست‌های حمایتی و مشوق‌های مالی برای جذب دانشجویان به رشته‌های مرتبط با این حوزه و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه آموزش دریایی امری ضروری است.



پیوند منطقه‌ای و جهانی منطبق بر طرح‌های دریامحور

اقتصاد دریایپایه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، فرصت‌های منحصربه‌فردی برای گسترش همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف با کشورها را فراهم می‌کند که این موضوع کمک شایانی در پیوندهای سیاسی و اجتماعی را مهیا می‌نماید. پروژه‌های چند ملیتی از

قبیل " یک کمر بند، یک راه " ، " کریدور راه توسعه " ، " کریدور میانی " ، " کریدور زنگزور " ، " کریدور ترانس خزر " نمونه های بارزی از این پیوند جهانی در حوزه پیوند های لجستیکی و دریاست که به افزایش کارایی و رقابت پذیری در تجارت دریایی این کشورها منجر گردید. ایران دریایی با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود و دسترسی به آب های آزاد، پتانسیل بالایی برای ایفای نقش پیوند جهانی و منطقه ای و توسعه روابط سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی با کشورهای صاحب دریاها و محصور در خشکی را داشته، همانگونه که تجربه موفق بندر چابهار در توافقنامه ایران، هند و افغانستان و ایفای عملکرد مطلوب در چارچوب توافقنامه مذکور موجبات مولد سازی کریدور دریایی و زمینی این سه کشور و غالب نمودن پیوند اقتصادی بر تحریم های اعمال شده جهانی گردید.

مولد سازی سواحل، در اصل توسعه بازارهای محلی، منطقه ای و جهانی را در بر داشته که نقشی محوری در شکوفایی اقتصاد دریای پایه کشورها ایفا می کند. ظرفیت های گسترده سواحل ایران دریایی، از منابع غنی دریایی تا موقعیت استراتژیک بندر، زمینه ساز ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی در حوزه های شیلاتی، گردشگری دریایی، حمل و نقل بین المللی، و صنایع ساحلی و فراساحلی بوده، بطوریکه این فرآیند نه تنها به جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی کمک می کند، بلکه زمینه ساز افزایش صادرات، رشد اقتصادی پایدار و تقویت جایگاه ایران در زنجیره



تأمین جهانی می شود. درحالت کلی بغیر از موارد مطروحه در این بخش، پیوند منطقه ای و جهانی را می توان بعنوان یکی از ابزارهای اصلی در توسعه بازار هم تلقی نمود.



حکمرانی توسعه ای با حمایت از سرمایه‌گذاران بومی و محلی در طرح‌های سواحل و

جزایر

مهیا نمودن اذهان بومیان، ساحل نشینان و ساکنین جزایر و همگام شدن آنان با توسعه یکی از فاکتورهای اصلی در پیشبرد و اجرای بهنگام طرح‌های توسعه ای در مناطق ساحلی بوده که صرفاً با ارائه منافع توسعه و ایجاد اقتصادی پویا با پیشرفت‌های جهانی می‌باشد.




در غالب استان‌های ساحلی کشور مردم به زندگی سنتی وابسته و معمولاً توسعه را عامل تخریب فرهنگ، سنت و مخل آرامش دانسته که در صورت عدم شناخت از فواید توسعه عملاً به سختی با فرآیندهای توسعه همگام خواهد شد. تجربه توسعه بدون در نظر گرفتن ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی خدماتی، آموزشی، مبلمان شهری و بهداشتی کنش‌های محلی را بدنبال خواهد داشت همانگونه که امروز این موضوع در نقاط مختلف کشور مشهود بوده و مطالعات در مناطق توسعه یافته دنیا حاکی از این اصل است که حکمرانی محلی، اقتصاد و امنیت سه فاکتور اصلی در توسعه بوده که نقص در هر کدام پیشبرد توسعه را با هزینه‌های هنگفت و فرسایشی نمودن پروژه‌ها و تبعات کارگری مواجه خواهد نمود. در صورت رعایت سه اصل فوق‌علی‌الخصوص حکمرانی محلی با توجه به موقعیت سواحل، جزایر و بنادر کشور و ساکنین این مناطق که منبعث از تنوع فرهنگی و قومیتی و مذهبی یکسان با کشورهای همسایه و قابلیت‌های ویژه مراودات تجارت



دریایی لذا با تشریح منافع توسعه و انجام زیر ساخت های فرهنگی، اجتماعی، خدماتی، آموزشی، شهری و بهداشتی همزمان یا قبل از اجرای پروژه مطمینا ضمن ارتقای امنیت این مناطق موجبات کسب و کارهای محلی و مشارکت در طرحهای سرمایه گذاری را رقم زده ، در همین راستا توانمندسازی بخش های خصوصی محلی و بومی و حمایت از این سرمایه گذاران در طرحهای توسعه ای حوزه دریایپایه به عنوان نیاز اساسی برای رونق اقتصادی و توسعه پایدار در حمل و نقل دریایی، شیلات و گردشگری ساحلی میسر و این امر می تواند موجب تسریع در فرآیندهای توسعه ای، کاهش هزینه ها و رشد بیشتر اقتصاد دریایپایه کشور گردد.





نتیجه گیری

باتوجه به مطالب فوق الاشاره مولدسازی سواحل، با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران دریایی و اهمیت آن در افزایش تولید ناخالص داخلی در حوزه اقتصاد دریامحور، لازم است سیاست گذاری یکپارچه ای همراه با تقسیم کار ملی تدوین تا کلیه ظرفیت های سازمان ها و ارگان های مرتبط در حوزه سواحل، جزایر و دریاها به طور هماهنگ به کار گرفته شوند. در این راستا، آمایش سرزمینی سواحل و جزایر به عنوان پیش نیاز اصلی هرگونه توسعه ای در این مناطق باید مورد توجه جدی قرار گیرد، زیرا مکان یابی نامناسب می تواند ظرفیت های آینده کشور را غیرمولد نموده و همچنین، تدوین قوانین تسهیل گر برای تمامی سواحل و جزایر، همراه با ایجاد زیرساخت های اولیه، از جمله اتصال سواحل به کریدورهای دریایی، زمینی و تسهیل سرمایه گذاری با شاخص های رقابت پذیری، بیش از هر زمان دیگری در توسعه سواحل، بنادر و جزایر ضروری است. این موضوع، همراه با پراکندگی و توزیع متناسب امکانات، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نیروی انسانی، به عنوان بزرگ ترین سرمایه هر کشور و سازمان، می تواند نقش کلیدی در توسعه ایفا نموده، اما تاکنون راهبردی یکپارچه برای بهره گیری موثر و پایدار از پرورش، آموزش و توانمندی ظرفیت های اقتصاد دریامحور تدوین و اجرایی نشده است. حتی در مواردی چنین راهبردهایی وجود داشته اما بدلائل عدم پایش مستمر و بروزرسانی با توسعه های جهانی مختلف اثربخش نبوده است.



شایان ذکر است جهت تکمیل چرخه بهره‌گیری از اقتصاد دریامحور، پیوندهای منطقه‌ای و حکمرانی محلی باید بر اساس سیاست‌های یکپارچه و در چارچوب منافع ملی و مردمی تدوین، بطوری که این سیاست‌ها فارغ از هرگونه عوامل غالب بر اقتصاد و امنیت ملی، زمینه‌ای برای توسعه پایدار و بهره‌برداری موثر از ظرفیت‌های سواحل و دریاها فراهم آورد.



